

هوشنگ دوم

گفت و گو با هوشنگ مرادی کرمانی

(ی‌راست دوم)

دکتر کریم فیضی



انتشارات معین

سرشناسه : مرادی کرمانی، هوشنگ، ۱۳۲۳ -، مصاحبه‌شونده، Moradi Kermani, Houshang

عنوان و نام پدیدآور : هوشنگ دوم: گفتگو با هوشنگ مرادی کرمانی / کریم فیضی.
وضعیت ویراست : ویراست ۲.
مشخصات نشر : تهران: معین، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری : ۵۵۲ ص.
شابک : 978 - 964 - 165 - 182 - 6

وضعیت فهرست‌نویسی : فیا.
یادداشت : چاپ چهارم. ویراست قبلی کتاب حاضر توسط اطلس کتاب در سال ۱۳۸۰ منتشر شده است.

عنوان دیگر : گفتگو با هوشنگ مرادی کرمانی.
موضوع : مرادی کرمانی، هوشنگ، ۱۳۲۳ - مصاحبه‌ها ؛ داستان‌نویسان ایرانی — قرن ۱۴ — مصاحبه‌ها ؛ Interviews — 20th century — Novelists, — Iranian

شناسه افزوده : فیضی، کریم، ۱۳۵۸ -، مصاحبه‌گر.
رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۶ / ۷ ی ۲۸ ر / ۸۲۰۳ PIR
رده‌بندی دیویی : ۸۴۳ / ۶۲
شماره کتابشناسی ملی : ۴۶۷۷۱۹۲



انتشارات معین

روبه روی دانشگاه تهران، فخری، فاتیما، پلاک ۳ - تلفن: ۶۶۴۰۵۹۹۲

www.moin-publisher.com

info@moin-publisher.com

برای دریافت تازه‌های کتاب انتشارات، به کانال تلگرام ما بپیوندید.

<https://telegram.me/moinpublisher>

هوشنگ دوم (گفت و گو با هوشنگ ملیک‌زاده لهرمانی)

به کوشش: کریم فیضی

چاپ چهارم (اول ناشر): ۱۳۹۶

شمارگان: ۷۷۰ نسخه

طراح جلد: خسرو محسنی‌کیا

عکس: مرتضی قدیمی

نمونه‌خوان: دریا صالح

حروف‌نگار و صفحه‌آرا: شهیر

لیتوگرافی: صدف / چاپ: مهارت

تمامی حقوق این اثر برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

تلفن مرکز فروش: ۶۶۴۱۴۳۳۰ - ۶۶۹۶۱۴۹۵

قیمت: ۳۷۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۹	 سخنی به خدایگان
۱۱	 فصل ۱- ماد، نفرین و من
۷۷	 فصل ۲- آن یک برمان
۱۲۹	 فصل ۳- هیچ کس، هیچ چیز و هیچ کجا!
۱۹۱	 فصل ۴- لقی زدن!
۲۴۱	 فصل ۵- از حاشیه به متن
۲۷۳	 فصل ۶- باز در وسط
۳۲۱	 فصل ۷- نویسندگان
۳۷۸	 فصل ۸- داستان نویسان
۴۳۹	 فصل ۹- فیلم و فیلم سازان
۴۷۵	 فصل ۱۰- طنز و قلمرو آن
۵۰۱	 فصل ۱۱- سفر و سفرها
۵۲۱	 فصل ۱۲- قصه‌ای بدنام زندگی

کتاب

کتاب «شما که نیستید زندگی نامه خودنوشت نویسنده ستاره از زادگاه او (روستای سیرچ کرمان) آغاز می‌شود و در ورود به تهران در ۲۰ سالگی به پایان می‌رسد، هر گاه کسی که آن کتاب را خوانده بود، می‌خواست بداند «در تهران چه گذشت؟» نویسنده می‌گفت: «لطفاً کنید کتاب هوشنگ دوم» را بخوانید. انتشارات معین تلاش کرد این کتاب را نیز در کنار کتاب‌های دیگر این نویسنده از جمله شما که غریبه نیستید منتشر کند که این توفیق با همکاری صمیمانه انتشارات اطلاعات (ناشر اولیه) میسر شد. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

تقدیم به مادر گرامی ام

که غم دوران‌ها را به جان خریده است

با استواری.

سخنی با خوانندگان

اکنون که این کتاب، تقدیم شما علاقمندان می‌شود، از اینکه در شرایطی سخت و مزاحم، حفته، سدم آن را به صورت کامل بازخوانی کنم، خرسندم. گمان نمی‌کردم در موقعیت فعلی، «بیر کام» توفیق پیدا کنم ولی بعد از شروع، جاذبه‌ای در آن بود که مرا به سوی خودش می‌کشید و چندین صبح و چندین شب با عشق و اشتیاق به خواندن سطور او را می‌نویسم که حدود ۸ سال قبل در ایام هم‌سخنی با استاد محترم هوشنگ مرادی کرمانی، مرتب شنونده آنها بودم و طبیعتاً آنها را با گوش دل شنیده بودم. این بار، از خواندن این مطالب نه تنها احساس ملالت و تکرار نکردم، از عمق و غنای موجود در آنها مشعوف شدم و امر جالبی است که می‌نگرم سلسله مباحثی که بین ما روی داده است، با گذشت این سال‌های دیجیتالیز و این سال‌های پر از فراز و نشیب و سال‌های تحولات بین‌آسا، اصالت خودش را همچنان حفظ کرده است و حتی برای نویسنده این کتاب، که از بام تا شام به صورت مرتب با فک و اندیشه و قلم و سخن سروکار متداوم دارد، سخنان این کتاب چنین حالتی داشته باشد، حتم دارم که برای بسیاری دیگر از اهل مطالعه نیز چنین حالتی متصور خواهد بود و این جای خوشوقتی و خوشدلی است. در این بیابانه مجال موسع نیست که بتوانم از چند و چون آشنایی‌ام با مرادی کرمانی و پدید آمدن هم‌اندیشی و شکل‌گیری مراتب فکری و اندیشه‌ای‌مان سخن بگویم. شاید روزی این روایت پر طراوت را به قلم بیاورم. در اینجا همین مقدار اشارت می‌کنم که وجود نوعی پیوند وجودی که به همذات‌پنداری منتهی می‌شد، باعث شد در آن سال‌ها میان زندگی و جهان خودم و زندگی و دنیای استاد عزیز احساس یگانگی کنم و این حس، خطا نبود. به همین جهت بود که هم این بار و هم آن بار

با وجود تراکم کاری، این کار را چونان «امری واجب و تخلف ناپذیر» پیش انداختم و تأخیر در آن را روا ندیدم. آنچه میان هویت‌ها و اضلاع مختلف زندگی‌های نامرتبط و دور از هم، روح یگانگی می‌دهد، اشتراک‌های زیربنایی نامرئی است که حول محورهایی چون «درد»، «رنج»، «اخلاقیات»، «هنرورزی» و «استعدادهای نامکشوف» دور می‌زند. گاهی یک عامل از این سلسله عوامل کافی است تا مرزهای زمان و مکان فرو بریزد و دو هویت مجزای دور از هم، به هم پیوندد و حقیقتی از حقایق دریای زندگی در ساحلی ناشناخته رخ نماید و جلوه کند. آنچه در این کتاب و روایت صاف و شفاف آن آمده است، حکایت صادقانه همین است، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. در نهایت، بازگشت سخن به بحث است که می‌زنیم و می‌رویم و این نه شعر است، نه شعار. واقعیت غیر قابل کتمان زندگی است. اگر نیک تأمل کنیم، خواهیم دید که ما خود نقسیم، نقشی که رهسپار است.

آری، با شوق و با آرزو در خواب آینده، هر روز زمان را بدرقه می‌کنیم، غافل از اینکه زمان در حال بدرقه کردن ماست. در این میان، بر ما نمی‌ماند جز اینکه بیاموزیم با جهان زندگی کنیم، نه در جهان. چرا که کسی که در جهان زندگی می‌کند، زیر آوار زمان و مکان دفن می‌شود، اما کسی که با جهان زندگی می‌کند، روی زمان و مکان گام برمی‌دارد.

با بهترین آرزوها

تهران، ۱۵ دی ۹۵ - مریم فیضی